

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲

ویژگیهای سوره حمد

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره در میان سوره‌های قرآن درخشش فوق العاده‌ای دارد که از مزایای زیر سرچشمه می‌گیرد:

۱- آهنگ این سوره

این سوره اساساً با سوره‌های دیگر قرآن از نظر لحن و آهنگ فرق روشنی دارد به خاطر اینکه سوره‌های دیگر همه بعنوان سخن خدا است، اما این سوره از زبان بندگان است، و به تعبیر دیگر در این سوره خداوند طرز مناجات و سخن گفتن با او را به بندگانش آموخته است.

آغاز این سوره با حمد و ستایش پروردگار شروع می‌شود. و با ابراز ایمان به مبدء و معاد (خداشناسی و ایمان به رستاخیز) ادامه می‌یابد، و با تقاضاها و نیازهای بندگان پایان می‌گیرد.

انسان آگاه و بیدار دل، هنگامی که این سوره را می‌خواند، احساس می‌کند که بر بال و پر فرشتگان قرار گرفته و به آسمان صعود می‌کند و در عالم روحانیت و معنویت لحظه به لحظه به خدا نزدیکتر می‌شود.

این نکته بسیار جالب است که اسلام بر خلاف بسیاری از مذاهب ساختگی یا تحریف شده که میان «خدا» و «خلق» واسطه‌ها قائل می‌شوند به مردم دستور می‌دهد که بدون هیچ واسطه با خدایشان ارتباط برقرار کنند!

این سوره تبلوری است از همین ارتباط نزدیک و بی‌واسطه خدا با انسان، و مخلوق با خالق، در اینجا تنها او را می‌بیند، با او سخن می‌گوید، پیام او را با گوش جان می‌شنود، حتی هیچ پیامبر مرسل و فرشته مقربی در این میان واسطه

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۳

نیست و عجب اینکه این پیوند و ارتباط مستقیم خلق با خالق آغازگر قرآن مجید است.

۲- سوره حمد، اساس قرآن است

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که «الحمد ام القرآن» و این به هنگامی بود که جابر بن عبدالله انصاری خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود:

«الا اعلمک افضل سورة انزلها الله فی کتابه؟ قال فقال له جابر بلی بابی انت و امی یا رسول الله! علمنیها، فعلمه الحمد، ام الکتاب»

«آیا برترین سوره‌ای را که خدا در کتابش نازل کرده به تو تعلیم کنم، جابر عرض کرد آری پدر و مادرم به فدایت باد، به من تعلیم کن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوره حمد که ام الکتاب است به او آموخت سپس اضافه فرمود این سوره شفای هر دردی است مگر مرگ».

و نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: «و الذی نفسی بیده ما انزل الله فی التوراة، و لا فی الزبور، و لا فی القرآن مثلهاهی ام الکتاب» «قسم به کسی که جان من به دست او است خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور، و نه حتی در قرآن، مثل این سوره را نازل نکرده است، و این ام الکتاب است».

دلیل این سخن با تامل در محتوای این سوره روشن می‌شود، چرا که این سوره در حقیقت فهرستی است از مجموع محتوای قرآن، بخشی از آن توحید و شناخت صفات خداست، بخشی در زمینه معاد و رستاخیز سخن می‌گوید و بخشی از هدایت و ضلالت که خط فاصل مؤمنان و کافران است سخن می‌گوید، و نیز در آن اشارهای است به حاکمیت مطلق پروردگار و مقام ربوبیت و نعمتهای

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۴

بی‌پایانش که به دو بخش عمومی و خصوصی (بخش رحمانیت و رحیمیت) تقسیم می‌گردد، و همچنین اشاره به مساءله عبادت و بندگی و اختصاص آن به ذات پاک او شده است. در حقیقت هم بیانگر توحید ذات است، هم توحید صفات، هم توحید افعال، و هم توحید عبادت.

و به تعبیر دیگر این سوره مراحل سه‌گانه ایمان: اعتقاد به قلب، اقرار به زبان، و عمل به ارکان را در بر دارد، و می‌دانیم «ام» به معنی اساس و ریشه است. شاید به همین دلیل است که «ابن عباس» مفسر معروف اسلامی

می‌گوید: «ان لكل شيء اساسا... و اساس القرآن الفاتحة».

«هر چیزی اساس و شالوده‌ای دارد... و اساس وزیر بنای قرآن، سوره حمد است».

روی همین جهات است که در فضیلت این سوره از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شد: «ایما مسلم قراء فاتحة الكتاب اعطى من الاجر كأنما قراء ثلثی القرآن، واعطى من الاجر كأنما تصدق على كل مؤمن و مؤمنة» هر مسلمانی سوره حمد را بخواند پاداش او به اندازه کسی است که دو سوم قرآن را خوانده است (و طبق نقل دیگری پاداش کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد) و گوئی به هر فردی از مردان و زنان مؤمن هدیه‌ای فرستاده است».

تعبیر به دو سوم قرآن شاید به خاطر آنست که بخشی از قرآن توجه به خدا است و بخشی توجه به رستاخیز و بخش دیگری احکام و دستورات است که بخش اول و دوم در سوره حمد آمده، و تعبیر به تمام قرآن به خاطر آن است که همه قرآن را از یک نظر در ایمان و عمل می‌توان خلاصه کرد که این هر دو در سوره حمد جمع است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۵

۳- سوره حمد افتخار بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

جالب اینکه در آیات قرآن سوره حمد به عنوان یک موهبت بزرگ به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی شد، و در برابر کل قرآن قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «ولقد آتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم»: «ما به تو سوره حمد که هفت آیه است و دو بار نازل شده دادیم همچنین قرآن بزرگ بخشیدیم» (سوره حجر آیه ۸۷).

قرآن با تمام عظمتش در اینجا در برابر سوره حمد قرار گرفته است، نزول دوباره آن نیز به خاطر اهمیت فوق العاده آن است.

همین مضمون در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود: «ان الله تعالی افرد الامتنان علی بفاتحة الكتاب وجعلها بازاء القرآن العظیم و ان فاتحة الكتاب اشرف ما فی کنوز العرش»: «خداوند بزرگ به خاطر دادن سوره حمد بالخصوص بر من منت نهاده و آنرا در برابر قرآن عظیم قرار داده، و سوره حمد باارزشتترین ذخائر گنجهای عرش خدا است!».

۴- تاء کید بر تلاوت این سوره

با توجه به بحثهای فوق که تنها بیان گوشه‌ای از فضیلت سوره حمد بود روشن که چرا در احادیث اسلامی در منابع شیعه و سنی اینهمه تاءکید بر تلاوت آن شده است، تلاوت آن به انسان، روح و ایمان می‌بخشد، او را به خدا نزدیک می‌کند، صفای دل و روحانیت می‌آفریند، اراده انسان را نیرومند و تلاش او را در راه خدا و خلق افزون می‌سازد، و میان او

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶

و گناه و انحراف فاصله می‌افکند.

به همین دلیل در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم «رن ابلیس اربع رنات اولهن یوم لعن، و حین اهبط الی الارض، و حین بعث محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) علی حین فتره من الرسل، و حین انزلت ام الكتاب»: «شیطان چهار بار فریاد کشید و ناله سر داد نخستین بار روزی بود که از درگاه خدا رانده شد سپس هنگامی بود که از بهشت به زمین تنزل یافت، سومین بار هنگام بعثت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از فترت پیامبران بود، و آخرین بار زمانی بود که سوره حمد نازل شد»!.

محتوای سوره

هفت آیه‌ای که در این سوره وجود دارد هر کدام اشاره به مطلب مهمی است: «بسم الله» سر آغازی است برای هر کار، و استمداد از ذات پاک خدا را به هنگام شروع در هر کار به ما می‌آموزد. «الحمد لله رب العالمین» درسی است از بازگشت همه نعمتها و تربیت همه موجودات به الله، و توجه به این حقیقت که همه این مواهب از ذات پاکش سرچشمه می‌گیرد.

«الرحمن الرحیم» این نکته را بازگو می‌کند که اساس خلقت و تربیت و حاکمیت او بر پایه رحمت و رحمانیت است، و محور اصلی نظام تربیتی جهان را همین اصل تشکیل می‌دهد.

«مالک یوم الدین» توجهی است به معاد، و سرای پاداش اعمال، و حاکمیت خداوند بر آن دادگاه عظیم.

«ایاک نعبد و ایاک نستعین»، توحید در عبادت و توحید در نقطه اتکاء انسانها را بیان می‌کند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۷

«اهدنا الصراط المستقیم»، بیانگر نیاز و عشق بندگان به مسأله هدایت و نیز توجهی است به این حقیقت که هدایتها همه از سوی او است! سرانجام آخرین آیه این سوره، ترسیم واضح و روشنی است از صراط مستقیم راه کسانی است که مشمول نعمتهای او شده‌اند، و از راه مغضوبین و گمراهان جدا است.

و از یک نظر این سوره به دو بخش تقسیم می‌شود بخشی از حمد و ثنای خدا سخن می‌گوید و بخشی از نیازهای بنده.

چنانکه در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: خداوند متعال چنین فرموده «من سوره حمد را میان خود و بندهام تقسیم کردم نیمی از آن برای من، و نیمی از آن برای بنده من است، و بنده من حق دارد هر چه را می‌خواهد از من بخواهد: هنگامی که بنده می‌گوید: بسم الله الرحمن الرحیم خداوند بزرگ می‌فرماید بندهام بنام من آغاز کرد، و بر من است که کارهای او را به آخر برسانم و در همه حال او را پر برکت کنم، و هنگامی که «الحمد لله رب العالمین» خداوند بزرگ می‌گوید بندهام مرا حمد و ستایش کرد، و دانست نعمتهائی را که دارد از ناحیه من است، و بلاها را نیز من از او دور کردم، گواه باشید که من نعمتهای سرای آخرت را بر نعمتهای دنیای او می‌افزایم، و بلاهای آن جهان را نیز از او دفع می‌کنم همانگونه که بلاهای دنیا را دفع کردم.

و هنگامی که می‌گوید «الرحمن الرحیم» خداوند می‌گوید: بندهام گواهی داد که من رحمان و رحیمم، گواه باشید بهره او را از رحمتم فراوان می‌کنم، و سهم او را از عطایم افزون می‌سازم.

و هنگامی که می‌گوید «مالک يوم الدين» او می‌فرماید: گواه باشید همانگونه که او حاکمیت و مالکیت روز جزا را از آن من دانست، من در روز

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۸

حساب، حسابش را آسان می‌کنم، حسناتش را می‌پذیرم، و از سیئاتش صرف نظر می‌کنم.

و هنگامی که می‌گوید «ایاک نعبد» خداوند بزرگ می‌گوید بندهام راست می‌گوید، تنها مرا پرستش می‌کند، من شما را گواه می‌گیرم بر این عبادت خالص ثوابی به او می‌دهم که همه کسانی که مخالف این بودند به حال او غبطه خورند.

و هنگامی که می‌گوید «ایاک نستعین» خدا می‌گوید: بنده‌ام از من یاری جسته، و تنه‌ها به من پناه آورده گواه باشید من او را در کارهایش کمک می‌کنم، در سختی‌ها به فریادش می‌رسم، و در روز پشیمانی دستش را می‌گیرم.

و هنگامی که می‌گوید «اهدنا الصراط المستقیم...» (تا آخر سوره) خداوند می‌گوید این خواسته بنده‌ام بر آورده است، و او هر چه می‌خواهد از من بخواهد که من اجابت خواهم کرد آنچه امید دارد، به او می‌بخشم و از آنچه بیم دارد ایمنش می‌سازم.

چرا نام این سوره فاتحة الكتاب است؟

«فاتحة الكتاب» به معنی آغازگر کتاب (قرآن) است، و از روایات مختلفی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده به خوبی استفاده می‌شود که این سوره در زمان خودپیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به همین نام شناخته می‌شده است.

از اینجا دریچه‌ای به سوی مسأله مهمی از مسائل اسلامی گشوده می‌شود و آن اینکه بر خلاف آنچه در میان گروهی مشهور است که قرآن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صورت پراکنده بود، بعد در زمان ابوبکر یا عمر یا عثمان جمع‌آوری شد قرآن در زمان خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به همین صورت امروز جمع‌آوری شده بود، و سرآغازش همین سوره حمد بوده است، والا نه این سوره نخستین سوره‌ای بوده

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۹

است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده، و نه دلیل دیگری برای انتخاب نام فاتحة الكتاب برای این سوره وجود دارد. مدارک متعدد دیگری در دست است که این واقعیت را تأیید می‌کند که قرآن به صورت مجموعه‌ای که در دست ماست در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و به فرمان او جمع‌آوری شده بود.

علی بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: قرآن در قطعات حریر و کاغذ و امثال آن پراکنده است آن را جمع‌آوری کنید سپس اضافه می‌کند علی (علیه السلام) از آن مجلس برخاست و آن را در پارچه زرد رنگی جمع‌آوری نمود سپس بر آن مهر زد (و انطلق علی (علیه السلام) فجمعه فی ثوب اصفر

ثم ختم علیه).

گواه دیگر اینکه خوارزمی دانشمند معروف اهل تسنن در کتاب «مناقب» از «علی بن ریاح» نقل می کند که علی بن ابی طالب و ابی بن کعب، قرآن را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کردند. سومین شاهد جمله ای است که حاکم نویسنده معروف اهل سنت در کتاب «مستدرک» از «زید بن ثابت» آورده است:

زید می گوید: «ما در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن را از قطعات پراکنده جمع آوری می کردیم و هر کدام را طبق راهنمایی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در محل مناسب خود قرار می دادیم، ولی با این حال این نوشته ها متفرق بود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) دستور داد که آن را یکجا جمع کند، و ما را از ضایع ساختن آن بر حذر می داشت».

سید مرتضی دانشمند بزرگ شیعه می گوید: «قرآن در زمان رسول الله

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۰

به همین صورت کنونی جمع آوری شده بود».

طبرانی و ابن عساکر از «شعبی» چنین نقل می کنند که شش نفر از انصار قرآن را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کردند و قتاده نقل می کند که از انس پرسیدم چه کسی قرآن را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کرد، گفت چهار نفر که همه از انصار بودند: ابی بن کعب، معاذ، زید بن ثابت، و ابوزید و بعضی روایات دیگر که نقل همه آنها به طول می انجامد.

به هر حال علاوه بر این احادیث که در منابع شیعه و اهل تسنن وارد شده انتخاب نام فاتحة الكتاب برای سوره حمد همانگونه که گفتیم - شاهد زنده ای برای اثبات این موضوع است.

سؤال :

در اینجا این سؤال پیش می آید که چگونه میتوان این گفته را باور کرد با اینکه در میان گروهی از دانشمندان معروف است که قرآن پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری شده، (بوسیله علی (علیه السلام) یا کسان دیگر).

در پاسخ این سؤال باید گفت :

اما قرآنی که علی (علیه السلام) جمع آوری کرد تنها خود قرآن نبود بلکه

مجموعه‌ای بود از قرآن و تفسیر و شأن نزول آیات، و مانند آن. و اما در مورد عثمان قرائنی در دست است که نشان می‌دهد عثمان برای جلوگیری از اختلاف قرائتها اقدام به نوشتن قرآن واحدی با قرائت و نقطه گذاری نمود (چرا که تا آن زمان نقطه گذاری معمول نبود).

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۱

و اما اصرار جمعی بر اینکه قرآن به هیچوجه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری نشده و این افتخار نصیب عثمان یا خلیفه اول و دوم گشت شاید بیشتر به خاطر فضیلت‌سازی بوده باشد، و لذا هر دسته‌های این فضیلت را به کسی نسبت می‌دهد و روایت در مورد او نقل می‌کند. اصولاً چگونه می‌توان باور کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین کار مهمی را نادیده گرفته باشد در حالی که او به کارهای بسیار کوچک هم توجه داشت، مگر نه این است که قرآن قانون اساسی اسلام، کتاب بزرگ تعلیم و تربیت، زیر بنای همه برنامه‌های اسلامی و عقائد و اعتقادات است؟ آیا عدم جمع‌آوری آن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این خطر را نداشت که بخشی از قرآن ضایع گردد و یا اختلافاتی در میان مسلمانان بروز کند. به علاوه حدیث مشهور «ثقلین» که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود من از میان شما می‌روم و دو چیز را به یادگار می‌گذارم کتاب خدا و خاندانم این خود نشان می‌دهد که قرآن به صورت یک کتاب جمع آوری شده بود. و اگر می‌بینیم روایاتی که دلالت بر جمع‌آوری قرآن توسط گروهی از صحابه زیر نظر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد، از نظر تعداد نفرات مختلف است مشکلی ایجاد نمی‌کند، ممکن است هر روایت عده‌ای از آنها را معرفی کند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۳

آیه ۱

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایگر

تفسیر :

میان همه مردم جهان رسم است که هر کار مهم و پرارزشی را به نام بزرگی از بزرگان آغاز می کنند، و نخستین کلنگ هر مؤسسه ارزندهای را به نام کسی که مورد علاقه آنها است بر زمین می زنند، یعنی آن کار را با آن شخصیت مورد نظر از آغاز ارتباط می دهند.

ولی آیا بهتر نیست که برای پاینده بودن یک برنامه و جاوید ماندن یک تشکیلات، آن را به موجود پایدار و جاویدانی ارتباط دهیم که فنا در ذات او راه ندارد، چرا که همه موجودات این جهان به سوی کهنگی و زوال می روند، تنها چیزی باقی می ماند که با آن ذات لایزال بستگی دارد.

اگر نامی از پیامبران و انبیاء باقی است به علت پیوندشان با خدا و عدالت و حقیقت است که کهنگی در آن راه ندارد، و اگر فی المثل اسمی از «حاتم» بر سر زبانها است به خاطر همبستگی با سخاوت است که زوال ناپذیر است. از میان تمام موجودات آنکه ازلی و ابدی است تنها ذات پاک خدا است و به همین دلیل باید همه چیز و هر کار را با نام او آغاز کرد و در سایه او قرار داد و از او استمداد نمود لذا در نخستین آیه قرآن می گوئیم «بنام خداوند بخشنده بخشایشگر»

بسم الله الرحمن الرحيم

این کار نباید تنها از نظر اسم و صورت باشد، بلکه باید از نظر واقعیت و معنی با او پیوند داشته باشد چرا که این ارتباط آن را در مسیر صحیح قرار می دهد و از هر گونه انحراف باز می دارد و به همین دلیل چنین کاری حتما به پایان می رسد و پر برکت است.

به همین دلیل در حدیث معروفی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: «کل امر ذی

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۴

بال لم یذكر فيه اسم الله فهو ابتر»: «هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بیفرجام است».

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پس از نقل این حدیث اضافه می کند انسان هر کاری را می خواهد انجام دهد باید بسم الله بگوید یعنی با نام خدا این عمل را شروع می کنم، و هر عملی که با نام خدا شروع شود خجسته و مبارک است. و نیز می بینیم امام باقر (علیه السلام) می فرماید: سزاوار است هنگامی که

کاری را شروع می‌کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، «بسم الله» بگوئیم تا پر برکت و میمون باشد».

کوتاه سخن اینکه پایداری و بقاء عمل بسته به ارتباطی است که با خدا دارد. به همین مناسبت خداوند بزرگ در نخستین آیات که به پیامبر وحی شد دستور می‌دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع کند: «اقرء باسم ربک».

و می‌بینیم حضرت نوح (علیه السلام) در آن طوفان سخت و عجیب هنگام سوار شدن بر کشتی و حرکت روی امواج کوه پیکر آب که هر لحظه با خطرات فراوانی روبرو بود برای رسیدن به سر منزل مقصود و پیروزی بر مشکلات به یاران خود دستور می‌دهد که در هنگام حرکت و در موقع توقف کشتی «بسم الله» بگویند (و قال اركبوا فيها بسم الله مجراها و مرسىها) (سوره هود آیه ۴۱). و آنها این سفر پر مخاطره را سرانجام با موفقیت و پیروزی پشت سر گذاشتند و با سلامت و برکت از کشتی پیاده شدند چنانکه قرآن می‌گوید: «قیل یا نوح اهبط بسلام منا و برکات علیک و علی امم ممن معک» (سوره هود آیه ۴۸).

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۵

و نیز سلیمان در نامه‌ای که به ملکه سبا می‌نویسد سر آغاز آن را «بسم الله» قرار می‌دهد (انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم ...) (سوره نحل آیه ۳۰).

و باز روی همین اصل، تمام سوره‌های قرآن - با بسم الله آغاز می‌شود تا هدف اصلی که همان هدایت و سوق بشر به سعادت است از آغاز تا انجام با موفقیت و پیروزی و بدون شکست انجام شود.

تنها سوره توبه است که «بسم الله» در آغاز آن نمی‌بینیم چرا که سوره توبه با اعلان جنگ به جنایتکاران مکه و پیمان شکنان آغاز شده، و اعلام جنگ با توصیف خداوند به رحمان و رحیم سازگار نیست.

در اینجا توجه به یک نکته لازم است و آن اینکه ما در همه جا بسم الله می‌گوئیم چرا نمی‌گوئیم «بسم الخالق» یا «بسم الرزاق» و مانند آن؟!

نکته این است که «الله» چنانکه به زودی خواهیم گفت، جامعترین نامهای خدا است و همه صفات او را یکجا بازگو می‌کند، اما نامهای دیگر اشاره به بخشی از کمالات او است، مانند خالقیت و رحمت او و مانند آن.

از آنچه گفتیم این حقیقت نیز روشن شد که گفتن «بسم الله» در آغاز هر کار هم به معنی «استعانت جستن» به نام خدا است، و هم «شروع کردن به نام او» و این دو یعنی «استعانت» و «شروع» که مفسران بزرگ ما گاهی آن را از هم تفکیک کرده‌اند و هر کدام یکی از آن دو را در تقدیر گرفته‌اند به یک ریشه باز می‌گردد، خلاصه این دو لازم و ملزوم یکدیگرند یعنی هم با نام او شروع می‌کنم و هم از ذات پاکش استمداد می‌طلبم.

به هر حال هنگامی که کارها را با تکیه بر قدرت خداوند آغاز می‌کنیم خداوندی که قدرتش مافوق همه قدرتهاست، سبب می‌شود که از نظر روانی نیرو و توان بیشتری در خود احساس کنیم، مطمئن‌تر باشیم، بیشتر کوشش کنیم، از

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۶

عظمت مشکلات نه‌راسیم و ماء‌یوس نشویم، و ضمناً نیت و عملمان را پاک‌تر و خالص‌تر کنیم.

و این است رمز دیگر پیروزی به هنگام شروع کارها به نام خدا. گرچه هر قدر در تفسیر این آیه سخن بگوئیم کم گفته‌ایم چرا که معروف است علی (علیه السلام) از سر شب تا به صبح برای «ابن عباس» از تفسیر «بسم الله» سخن می‌گفت، صبح شد در حالی که از تفسیر «با» بسم الله فراتر نرفته بود» ولی با حدیثی از همان حضرت این بحث را همینجا پایان می‌دهیم، و در بحثهای آینده مسائل دیگری در این رابطه خواهیم داشت. «عبدالله بن یحیی» که از دوستان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود به خدمتش آمد و بدون گفتن بسم الله بر تختی که در آنجا بود نشست، ناگهان بدنش منحرف شد و بر زمین افتاد و سرش شکست، علی (علیه السلام) دست بر سر او کشید و زخم او التیام یافت بعد فرمود: آیا نمی‌دانی که پیامبر از سوی خدا برای من حدیث کرد که هر کار بدون نام خدا شروع شود بی سرانجام خواهد بود، گفتم پدر و مادرم به فدایت باد می‌دانم و بعد از این ترک نمی‌گویم، فرمود: در این حال بهره‌مند و سعادتمند خواهی شد.

امام صادق (علیه السلام) هنگام نقل این حدیث فرمود: بسیار می‌شود که بعضی از شیعیان ما بسم الله را در آغاز کارشان ترک می‌گویند و خداوند آنها را با ناراحتی مواجه می‌سازد تا بیدار شوند و ضمناً این خطا از نامه اعمالشان

نکته‌ها

۱- آیا بسم الله جزء سوره است؟

در میان دانشمندان و علماء شیعه اختلافی در این مسأله نیست، که بسم الله جزء سوره حمد و همه سوره‌های قرآن است، اصولاً ثبت بسم الله در متن قرآن مجید در آغاز همه سوره‌ها، خود گواه زنده این امر است زیرا می‌دانیم در متن قرآن چیزی اضافه نوشته نشده است، و ذکر بسم الله در آغاز سوره‌ها از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تاکنون معمول بوده است. و اما از نظر دانشمندان اهل تسنن، نویسندگان تفسیر المنار جمع‌آوری جامعی از اقوال آنها به شرح زیر کرده است:

در میان علما گفتگو است که آیا بسم الله در آغاز هر سوره‌های جزء سوره است یا نه؟ دانشمندان پیشین از اهل مکه اعم از فقهاء و قاریان قرآن از جمله ابن کثیر و اهل کوفه از جمله عاصم و کسائی از قراء، و بعضی از صحابه و تابعین از اهل مدینه، و همچنین شافعی در کتاب جدید، و پیروان او و ثوری و احمد در یکی از دو قولش معتقدند که جزء سوره است، همچنین علمای امامیه و از صحابه - طبق گفته آنان علی (علیه السلام) و ابن عباس و عبدالله بن عمر و ابوهریره، و از علمای تابعین سعید بن جبیر و عطا و زهری و ابن المبارک این عقیده را برگزیده‌اند.

سپس اضافه می‌کند مهمترین دلیل آنها اتفاق همه صحابه و کسانی که بعد از آنها روی کار آمدند بر ذکر بسم الله در قرآن در آغاز هر سوره‌های - جز سوره براءت - است، در حالی که آنها متفقاً توصیه می‌کردند که قرآن را از آنچه جزء قرآن نیست پیراسته دارند، و به همین دلیل آمین را در آخر سوره فاتحه ذکر نکرده‌اند ...

سپس از مالک و پیروان ابوحنیفه و بعضی دیگر نقل می‌کند که آنها بسم الله

را یک آیه مستقل می‌دانستند که برای بیان آغاز سوره‌ها و فاصله میان آنها نازل شده است.

و از احمد (فقیه معروف اهل تسنن) و بعضی از قاریان کوفه نقل می‌کند که

آنها بسم الله را جزء سوره حمد می دانستند نه جزء سایر سوره ها. از مجموع آنچه گفته شده چنین استفاده می شود که حتی اکثریت قاطع اهل تسنن نیز بسم الله را جزء سوره می دانند.

در اینجا بعضی از روایاتی را که از طرق شیعه و اهل تسنن در این زمینه نقل شده یادآور می شویم: (و اعتراف می کنیم که ذکر همه آنها از حوصله این بحث خارج، و متناسب با یک بحث فقهی تمام عیار است).

«معاویة بن عمار» از دوستان امام صادق (علیه السلام) می گوید از امام پرسیدم هنگامی که به نماز بر می خیزم بسم الله را در آغاز حمد بخوانم؟ فرمود بلی مجدداً سؤال کردم هنگامی که حمد تمام شد و سوره های بعد از آن می خوانم بسم الله را با آن بخوانم؟ باز فرمود آری:

۲- دارقطنی از علمای سنت به سند صحیح از علی (علیه السلام) نقل می کند که مردی از آن حضرت پرسید السبع المثانی چیست؟ فرمود: سوره حمد است، عرض کرد سوره حمد شش آیه است فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم نیز آیه ای از آن است.

۳- بیهقی محدث مشهور اهل سنت با سند صحیح از طریق ابن جبیر از ابن عباس چنین نقل می کند: استرق الشیطان من الناس اعظم آیه من القرآن بسم الله الرحمن الرحیم: مردم شیطان صفت، بزرگترین آیه قرآن بسم الله

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۹

الرحمن الرحیم را سرقت کردند» (اشاره به اینکه در آغاز سوره ها آن را نمی خوانند).

گذشته از همه اینها سیره مسلمین همواره بر این بوده که هنگام تلاوت قرآن بسم الله را در آغاز هر سوره های می خواندند، و متواتراً نیز ثابت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آن را نیز تلاوت می فرمود، چگونه ممکن است چیزی جزء قرآن نباشد و پیامبر و مسلمانان همواره آن را ضمن قرآن بخوانند و بر آن مداومت کنند.

و اما اینکه بعضی احتمال داده اند که بسم الله آیه مستقلی باشد که جزء قرآن است اما جزء سوره ها نیست، احتمال بسیار سست و ضعیفی به نظر می رسد، زیرا مفهوم و محتوای بسم الله نشان می دهد که برای ابتدا و آغاز کاری است، نه اینکه خود یک مفهوم و معنی جدا و مستقل داشته باشد، در حقیقت این جمود و تعصب شدید است که ما بخواهیم برای ایستادن روی حرف خود هر احتمالی

را مطرح کنیم و آیه‌ای همچون بسم الله را که مضمونش فریاد می‌زند سر
 آغازی است برای بحث‌های بعد از آن، آیه مستقل و بریده از ماقبل بعد بینداریم.
 تنها ایراد قابل ملاحظه‌ای که مخالفان در این رابطه دارند این است که
 می‌گویند در شمارش آیات سوره‌های قرآن (بجز سوره حمد) معمولاً بسم الله
 را یک آیه حساب نمی‌کنند، بلکه آیه نخست را بعد از آن قرار می‌دهند.
 پاسخ این سؤال را «فخر رازی» در تفسیر کبیر به روشنی داده است آنجا
 که می‌گوید: هیچ مانعی ندارد که بسم الله در سوره حمد به تنهایی یک آیه
 باشد و در سوره‌های دیگر قرآن جزئی از آیه اول محسوب گردد. (بنابر این
 مثلاً در سوره کوثر «بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطیناک الکوثر») همه یک
 آیه محسوب می‌شود).
 به هر حال مسأله آنقدر روشن است که می‌گویند: یک روز معاویه در

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۰

دوران حکومتش در نماز جماعت بسم الله را نگفت، بعد از نماز جمعی از
 مهاجران و انصار فریاد زدند اسرقت ام نسیت؟: آیا بسم الله را دزدیدی یا
 فراموش کردی؟.

۲- الله جامعترین نام خداوند

در جمله بسم الله نخست با کلمه اسم روبرو می‌شویم که به گفته علمای
 ادبیات عرب اصل آن از سمو (بر وزن غلو) گرفته شده که به معنی بلندی و
 ارتفاع است، و اینکه به هر نامی اسم گفته می‌شود به خاطر آنست که مفهوم
 آن بعد از نامگذاری از مرحله خفا و پنهانی به مرحله بروز و ظهور و ارتفاع
 می‌رسد، و یا به خاطر آنست که لفظ با نامگذاری، معنی پیدامی‌کند و از مهمل
 و بی‌معنی بودن در می‌آید و علو و ارتفاع می‌یابد.

به هر حال بعد از کلمه اسم، به کلمه «الله» برخورد می‌کنیم که جامعترین
 نامهای خدا است، زیرا بررسی نامهای خدا که در قرآن مجید و یا سایر منابع
 اسلامی آمده نشان می‌دهد که هر کدام از آن یک بخش خاص از صفات خدا را
 منعکس می‌سازد، تنها نامی که اشاره به تمام صفات و کمالات الهی، یا به تعبیر
 دیگر جامع صفات جلال و جمال است همان الله می‌باشد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۱

به همین دلیل اسماء دیگر خداوند غالباً به عنوان صفت برای کلمه «الله»

گفته می شود به عنوان نمونه:

«غفور» و «رحیم» که به جنبه آمرزش خداوند اشاره می کند (فان الله غفور رحیم- بقره - ۲۲۶).

«سمیع» اشاره به آگاهی او از مسموعات، و «علیم» اشاره به آگاهی او از همه چیز است (فان الله سمیع علیم- بقره - ۲۲۷). «بصیر»، علم او را به همه دیدنیها بازگومی کند (و الله بصیر بما تعملون حجرات- ۱۸). «رزاق»، به جنبه روزی دادن او به همه موجودات اشاره می کند و «ذوالقوه» به قدرت او، و مبین به استواری افعال و برنامه های او (ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین- زاریات - ۵۸).

و بالاخره «خالق» و «بارء» اشاره به آفرینش او و «مصور» حاکی از صورتگریش می باشد (هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی حشر- ۲۴).

آری تنها «الله» است که جامعترین نام خدا می باشد، لذا ملاحظه می کنیم در یک آیه بسیاری از این اسماء، وصف «الله» قرار می گیرند هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر: «او است الله که معبودی جز وی نیست او است حاکم مطلق، منزّه از ناپاکیها، از هر گونه ظلم و بیدادگری ایمنی بخش، نگاهبان همه چیز، توانا و شکست ناپذیر، قاهر بر همه موجودات و با عظمت».

یکی از شواهد روش جامعیت این نام آنست که ابراز ایمان و توحید تنها با جمله لا اله الا الله می توان کرد، و جمله لا اله الا العلیم، الا الخالق، الا الرازق» و مانند آن به تنهایی دلیل بر توحید و اسلام نیست، و نیز به همین جهت است که

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۲

در مذاهب دیگر هنگامی که می خواهند به معبود مسلمین اشاره کنند الله را ذکر می کنند، زیرا توصیف خداوند به الله مخصوص مسلمانان است.

۳- رحمت عام و خاص خدا.

مشهور در میان گروهی از مفسران این است که صفت رحمان، اشاره به رحمت عام خدا است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار می باشد، زیرا می دانیم باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده همه بندگان از مواهب گوناگون حیات بهره مندند، و روزی خویش را از سفره گسترده نعمتهای بی پایانش بر

می‌گیرند، این همان رحمت عام او است که پهنه هستی را در بر گرفته و همگان در دریای آن غوطه‌ورند.

ولی «رحیم» اشاره به رحمت خاص پروردگار است که ویژه بندگان مطیع و صالح و فرمانبردار است، زیرا آنها به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته‌اند که از رحمت و بخشش و احسان خاصی که آلودگان و تبهکاران از آن سهمی ندارند، بهره‌مند گردند.

تنها چیزی که ممکن است اشاره به این مطلب باشد آنست که «رحمان» در همه جا در قرآن به صورت مطلق آمده است که نشانه عمومیت آنست، در حالی که «رحیم» گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است مانند کان بالمؤمنین رحیم: «خداوند نسبت به مؤمنان رحیم است» (احزاب - ۴۳) و گاه به صورت مطلق مانند سوره حمد.

در روایتی نیز از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: و الله اله کل شیء، الرحمان بجمع خلقه، الرحیم بالمؤمنین خاصة: «خداوند معبود همه چیز است، نسبت به تمام مخلوقاتش رحمان، و نسبت به خصوص مؤمنان رحیم است»

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۳

از سوئی دیگر «رحمان» را صیغه مبالغه دانسته‌اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت او است، و رحیم را صفت مشبیه که نشانه ثبات و دوام است و این ویژه مؤمنان می‌باشد.

شاهد دیگر اینکه رحمان از اسماء مختص خداوند است و در مورد غیر او به کار نمی‌رود، در حالی که رحیم صفتی است که هم در مورد خدا و هم در مورد بندگان استعمال می‌شود، چنانکه درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن می‌خوانیم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم: ناراحتیهای شما بر پیامبر گران است، و نسبت به هدایت شما سخت علاقمند است، و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم می‌باشد (توبه - ۱۲۸).

لذا در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: الرحمان اسم خاص، بصفة عامة، و الرحیم اسم عام بصفة خاصة: رحمان اسم خاص است اما صفت عام دارد (نامی است مخصوص خدا ولی مفهوم رحمتش همگان را در بر می‌گیرد) ولی «رحیم» اسم عام است به صفت خاص (نامی است که بر خدا و خلق هر دو گفته می‌شود اما اشاره به رحمت ویژه مؤمنان دارد).

با این همه گاه می‌بینیم که رحیم نیز به صورت یک وصف عام استعمال می‌شود البته هیچ مانعی ندارد که تفاوتی که گفته شد در ریشه این دو لغت باشد، اما استثنائاتی نیز در آن راه‌یابد. در دعای بسیار ارزنده و معروف امام حسین (علیه السلام) بنام دعای عرفه می‌خوانیم: یا رحمان الدنيا والاخرة و رحیمهما: «ای خدائی که رحمان دنیا و آخرت توئی و رحیم دنیا و آخرت نیز توئی»!

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۴

سخن خود را در این بحث با حدیث پر معنی و گویائی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پایان می‌دهیم آنجا که فرمود: ان الله عز و جل مائة رحمة، و انه انزل منها واحدة الى الارض فقسمها بين خلقه بها يتعاطفون و يتراحمون، و اخر تسع و تسعين لنفسه یرحم بها عباده يوم القيامة! «خداوند بزرگ صد باب رحمت دارد که یکی از آن را به زمین نازل کرده است، و در مخلوقاتش تقسیم نموده و تمام عاطفه و محبتی که در میان مردم است از پرتو همان است، ولی نود و نه قسمت را برای خود نگاه داشته و در قیامت بندگان را مشمول آن می‌سازد.»

۴- چرا صفات دیگر خدا در بسم الله نیامده است؟!

این موضوع قابل توجه است که تمام سوره‌های قرآن با بسم الله شروع می‌شود (بجز سوره براءت آن هم به دلیلی که سابقاً گفتیم) و در بسم الله پس از نام ویژه «الله» تنها روی صفت «رحمانیت و رحیمیت» او تکیه می‌شود، و این سؤال انگیز است که چرا سخنی از بقیه صفات در این موضع حساس به میان نیامده؟

اما با توجه به یک نکته، پاسخ این سؤال روشن می‌شود و آن اینکه در آغاز هر کار لازم است از صفتی استمداد کنیم که آثارش بر سراسر جهان پرتوافکن است، همه موجودات را فراگرفته و گرفتاران را در لحظات بحرانی نجات بخشیده است.

بهتر است این حقیقت را از زبان قرآن بشنوید آنجا که می‌گوید: و رحمتی وسعت کل شیء: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته است» (اعراف - ۱۵۶).

و در جای دیگر از زبان حاملان عرش خدا می‌خوانیم ربنا وسعت کل شیء، رحمة: «خدایا رحمت خود را بر همه چیز گسترده‌ای» (مؤمن - ۷).

از سوی دیگر می‌بینیم پیامبران برای نجات خود از چنگال حوادث سخت

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۵

و طاقت فرسا و دشمنان خطرناک، دست به دامن رحمت خدا می‌زدند قوم «موسی» برای نجات از چنگال فرعونیان می‌گویند و نجنا برحمتک: «خدایا ما را به رحمت خودرهای بخش» (یونس - ۸۶).

در مورد «هود» و پیروانش چنین می‌خوانم: فانجیناه و الذین معه برحمة منا: هود و پیروانش را به وسیله رحمت خویش (از چنگال دشمنان) رهای بخشیدیم (اعراف ۷۲).

اصولا هنگامی که حاجتی از خدا می‌طلبیم مناسب است او را با صفاتی که پیوند با آن حاجت دارد توصیف کنیم مثلاً عیسی مسیح (علیه السلام) به هنگام درخواست مائده آسمانی (غذای مخصوص) چنین می‌گوید: اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء... و ارزقنا و انت خیر الرازقین: «بار الهامائدهای از آسمان بر ما نازل گردان... و ما را روزی ده و توبه‌ترین روزی دهندگانی» (مائده - ۱۱۴).

«نوح» پیامبر بزرگ خدا نیز این درس را به ما می‌آموزد، آنجا که برای پیاده شدن از کشتی در یک جایگاه مناسب، چنین دعا کند رب انزلنی منزلاً مبارکاً و انت خیر المنزلین: «پروردگارا! مرا به طرز مبارکی فرود آر که تو بهترین فرود آورندگان» (مؤمنون - ۲۹).

و نیز «زکریا» به هنگام درخواست فرزندی از خدا که جانشین و وارث او باشد خدا را با صفت خیر الوارثین توصیف می‌کند و می‌گوید رب لاتذرني فردا و انت خیر الوارثین: خداوند! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی» (انبیاء ۸۹). بنابراین در مورد آغاز کارها به هنگامی که می‌خواهیم با نام خداوند شروع کنیم باید دست به دامن رحمت واسعه او بنیم، هم رحمت عام و هم رحمت خاصش آیا برای پیشرفت در کارها و پیروزی بر مشکلات صفتی مناسبتر از این صفات می‌باشد؟!

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۲۶

جالب اینکه نیروئی که همچون نیروی جاذبه، جنبه عمومی دارد و دلها را به هم پیوند می‌دهد همین صفت رحمت است، برای پیوند خلق با خالق نیز از این صفت رحمت باید استفاده کرد.

مؤمنان راستین با گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز کارها دل از همه جا بر می‌کنند و تنها به خدا دل می‌بندند، و از او استمداد و یاری می‌طلبند، خداوندی که رحمتش فراگیر است، و هیچ موجودی از آن، بی‌نصیب نیست. این درس را نیز از بسم الله به خوبی می‌توان آموخت که اساس کار خداوند بر رحمت است و مجازات جنبه استثنائی دارد که تا عوامل قاطعی برای آن پیدا نشود تحقق نخواهد یافت، چنانکه در دعا می‌خوانیم یا من سبقت رحمته غضبه: «ای خدائی که رحمت بر غضبت پیشی گرفته است»، انسانها نیز باید در برنامه زندگی چنین باشند، اساس و پایه کار را بر رحمت و محبت قرار دهند و توسل به خشونت را برای مواقع ضرورت بگذارند، قرآن ۱۱۴ سوره دارد، ۱۱۳ سوره با «رحمت» آغاز می‌شود، تنها سوره توبه که با اعلان جنگ و خشونت آغاز می‌شود و بدون بسم الله است!

↑ نفرت

← بعد